

نقش واسطه‌ای روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی
 محمدعلی بشارت^۱، فرزانه رنجبر شیرازی^۲، فاطمه دهقانی آرانی^۳

The mediating role of early maladaptive schemas on the relationship between attachment styles and defense mechanisms

Mohammad Ali Besharat¹, Farzaneh Ranjbar Shirazi², Fateme Dehghani Arani³

چکیده

زمینه: سبک‌های دلبستگی، روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه و مکانیسم‌های دفاعی از عوامل تعیین‌کننده اصلی مشکلات روان‌شناختی هستند. کشف روابط بین این متغیرها از اهمیت نظری و بالینی برخوردارند. **هدف:** هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی بود. **روش:** طرح پژوهش حاضر از نوع توصیفی و روش پژوهش همبستگی و بود. تعداد ۴۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران (۱۸۴ دختر، ۲۱۶ پسر) به صورت داوطلب در این پژوهش شرکت کردند. از شرکت‌کنندگان خواسته شد که مقیاس دلبستگی بزرگسال (AAI؛ بشارت، ۱۳۸۴، ۲۰۱۱)، پرسشنامه سبک‌های دفاعی (DSQ؛ اندروز، سینگ و باند، ۱۹۹۳) و فرم کوتاه پرسشنامه روان‌سازه یانگ (YSQ-SF؛ یانگ و براون، ۱۹۹۹) را تکمیل کنند. **یافته‌ها:** نتایج پژوهش نشان داد که سبک دلبستگی ایمن با مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته رابطه مثبت و با مکانیسم‌های دفاعی نوروپیک و رشدنیافته رابطه منفی معنادار دارد ($p < 0/001$). سبک‌های دلبستگی نایمن با مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته رابطه منفی و با مکانیسم‌های دفاعی نوروپیک و رشدنیافته رابطه مثبت معنادار ($p < 0/001$) داشتند. همچنین بین سبک دلبستگی ایمن و روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه رابطه منفی معنادار و بین سبک‌های دلبستگی نایمن و روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه رابطه مثبت معنادار وجود داشت ($p < 0/001$). روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه با مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته رابطه منفی معنادار و با مکانیسم‌های دفاعی نوروپیک و رشدنیافته رابطه مثبت معنادار داشتند ($p < 0/001$). نتایج تحلیل مسیر نشان داد که روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی نقش واسطه‌ای ایفا نمی‌کنند. **نتیجه‌گیری:** بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که سبک‌های دلبستگی و روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه، مکانیسم‌های دفاعی را پیش‌بینی می‌کنند. **واژه کلیدی‌ها:** روان‌سازه، دلبستگی، مکانیسم دفاعی

Background: Attachment styles, early maladaptive schemas and defense mechanisms are the major determinants of psychological problems. Discovering the relationships of these variables has theoretical and clinical importance. **Aims:** The aim of the present study was to investigate the mediating role of early maladaptive schemas on the relationship between attachment styles and defense mechanisms. **Method:** Method of the present descriptive study was correlational. A total of 400 students (184 females, 216 males) from University of Tehran participated in this study. Participants were asked to complete the Adult Attachment Inventory (AAI; Besharat, 2005, 2011), Defense Styles Questionnaire (DSQ; Andrews, Singh, & Bond, 1993), and Young Schema Questionnaire-Short form (YSQ-SF; Young & Brown, 1999). **Results:** The results demonstrated that secure attachment style had a significant positive association with mature defense style and significant negative association with neurotic and immature defense styles ($p < 0/001$). Insecure attachment styles had significant negative association with mature defense style and significant positive association with neurotic and immature defense styles ($p < 0/001$). There was a negative association between secure attachment style and early maladaptive schemas and positive association between insecure attachment styles and early maladaptive schemas ($p < 0/001$). There was a significant negative association between early maladaptive schemas and mature defense style and significant positive association between early maladaptive schemas and neurotic and immature defense styles ($p < 0/01$). Results also showed that early maladaptive schemas did not play a mediating role on the relationship between attachment styles and defense mechanisms. **Conclusions:** According to the results of the present study, it can be concluded that attachment styles and early maladaptive schemas can predict defense styles.

Key words: schema, attachment, defense mechanism

Corresponding Author: besharat@ut.ac.ir

۱. استاد، گروه روانشناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۱. Professor, Department of Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author)

۲. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. M A in Clinical Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran

۳. استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. Assistant Professor, Department of Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran

مقدمه

مکانیسم‌های دفاعی^۱ منابع ناهشیاری هستند که ذهن برای حفاظت فرد از احساسات ناهشیاری که توسط منابع بیرونی و درونی ایجاد می‌شود، استفاده می‌کند (فروید^۲، ۱۹۸۶؛ به نقل از میراندا و لوزا، ۲۰۱۵). انجمن روان‌پزشکی آمریکا^۳ (۲۰۱۳) نیز مکانیسم‌های دفاعی را فرآیندهایی می‌داند که بین واکنش‌های افراد به تعارضات هیجانی و منابع تیدگی‌زای بیرونی واسطه می‌شوند. مکانیسم‌های دفاعی تکانه‌های انگیزشی و نیازها را تنظیم می‌کنند و هدف آنها حفظ احساس امنیت روانی به وسیله ایجاد تحریف شناختی و محدود کردن تجارب هشیار هیجان‌های منفی است (هارت، ۲۰۱۴). با وجود این که دفاع‌ها ممکن است با آسیب‌شناسی روانی همراه باشند، یک بخش ضروری از رشد طبیعی افراد هستند (کرامر، ۲۰۱۵). طبق نظر فروید (۱۹۳۷؛ به نقل از کوتلر، ۲۰۱۷) من^۴ بدون مکانیسم‌های دفاعی نمی‌تواند عملکرد مناسبی داشته باشد. زمانی که من کودک هنوز ضعیف است، مکانیسم‌های دفاعی از آن در برابر عواطف دردناکی که می‌توانند در رشد و عملکردش خلل ایجاد کنند، محافظت می‌کنند. بسیاری از مکانیسم‌های دفاعی با ترتیب مشخص و طی مراحل رشد کودک شکل می‌گیرند و در هر مرحله مکانیسم متفاوتی غالب است. این تغییرات در مکانیسم‌های دفاعی به این دلیل رخ می‌دهد که با افزایش سن کودک عملکردهای شناختی وی پیچیده‌تر می‌شوند و باعث جایگزینی دفاع‌هایی که از لحاظ شناختی ساده‌تر هستند مانند انکار^۵ با دفاع‌های پیچیده‌تر مانند فرافکنی^۶ می‌شوند. دفاع‌ها با توجه به سن فرد می‌توانند متناسب یا نامتناسب باشند. در واقع زمانی که رشد من کامل می‌شود استفاده از مکانیسم‌های دفاعی می‌تواند عواقب منفی در پی داشته باشد و سازش یافته نباشد (کرامر، ۲۰۱۵). با این حال، در این موارد تلاش برای به حداقل رساندن هیجان‌های منفی با استفاده از مکانیسم‌های دفاعی و رفتارهای دلبستگی جویانه سازش یافته به نظر می‌رسد (داینر، منگلسدورف، مک‌هال و فروش، ۲۰۰۲؛ سگال، کولیک و میزونو، ۲۰۰۷).

سبک‌های دفاعی یعنی فراوانی استفاده از مکانیسم‌های دفاعی متفاوت در مقایسه با یکدیگر، به عنوان بخش مهمی از ساختار

شخصیت افراد در نظر گرفته می‌شوند (بلیا، کپیر، هلدت، ایزولان، سیتلین و همکاران، ۲۰۰۴). اندروز، سینگ و باند (۱۹۹۳)، سه نوع سبک دفاعی رشد یافته^۷، نوروتیک^۸ و رشد نیافته^۹ را بر اساس بیست مکانیسم دفاعی مطرح شده توسط وایلانت (۱۹۷۶) طبقه‌بندی کرده اند. سبک دفاعی رشد یافته به مکانیسم‌های بهنجار و انطباقی اشاره دارد، در مقابل سبک‌های دفاعی رشد نیافته و نوروتیک، مکانیسم‌های ناکارآمد و غیرانطباقی‌اند که با بسیاری از مشکلات جسمی و روان‌شناختی مرتبط هستند (وایلانت، ۲۰۰۰). مکانیسم‌ها زمانی ناهنجار هستند که به شکلی غیرمنعطف در ارتباط با بسیاری از افراد یا موقعیت‌ها رخ دهند و ادراک واقعیت را شدیداً تحریف کنند و در سایر عملکردهای من تداخل ایجاد کنند (فروید، ۱۹۳۶؛ به نقل از پورسرلی، کرامر، پورسرلی و آرتبری، ۲۰۱۷). به نظر وایلانت (۲۰۱۲) استفاده انعطاف‌ناپذیر از دفاع‌ها منجر به بروز افسردگی، اضطراب یا رفتارهای تکانشی می‌شود. یافته‌های تجربی نیز ارتباط بین استفاده از مکانیسم‌های دفاعی مختلف و میزان سلامت روان شناختی و جسمانی را نشان می‌دهند (بشارت و خجوی، ۲۰۱۳؛ بشارت و شهیدی، ۲۰۱۱؛ پوهالا، مک کلو سکی، بریکمن، فوبر و کوکارو، ۲۰۱۶؛ جون، لی، لی، یو، سانگ و همکاران، ۲۰۱۵؛ لیندبلوم، پونا ماک، فلایکت، وانسکا، نومی و همکاران، ۲۰۱۶؛ مالون، کوهن، لیو، وایلانت و والدینگر، ۲۰۱۳؛ نواوز، موریل و والدینگر، ۲۰۱۸؛ هالووی، بولهار و اسشوته، ۲۰۱۷؛ هیفانتیس، گولیا، کاروالهو، ۲۰۱۳). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که استفاده از مکانیسم‌های دفاعی نوروتیک و رشد نیافته در مقابله با تجارب ناگوار دوران کودکی (فینزی-دوتون و کارو، ۲۰۰۶)، باور به رهاشدگی (والبرگ و چیاراملو، ۲۰۱۵)، عدم پذیرش هیجان‌های فرد توسط دیگران (سالا، تستا، پونز و مولینا، ۲۰۱۵) و دلبستگی ناایمن^{۱۰} (بشارت و خجوی، ۲۰۱۳) شدت می‌یابد. شکل‌گیری مکانیسم‌های دفاعی تحت تأثیر دلبستگی مادر-فرزند صورت می‌گیرد (بشارت، شریفی و ایروانی، ۱۳۸۰؛ سادوک و سادوک، ۲۰۱۱؛ گلدبرگ، ۲۰۱۴؛ مک ماهون، بارنت، کوانکو و دانت، ۲۰۰۵). دلبستگی پیوند عاطفی پایدار بین کودک و مراقب است و طبق نظریه دلبستگی شکل‌گیری دلبستگی

6. projection

7. mature

8. neurotic

9. immature

10. insecure attachment

1. defense mechanisms

2. Freud, S.

3. American Psychiatric Association

4. ego

5. denial

غیرپاسخگو و طردکننده باعث نقص در رشد شناختی کودک، اختلال تنظیم هیجان، تشدید و یا سرکوب درماندگی‌های هیجانی، ناسازگاری در موقعیت‌های اجتماعی، ناتوانی در کسب حمایت اجتماعی، مشکلات سلامت روان و شکل‌گیری سبک‌های دلبستگی ناایمن در کودک می‌شود (برنیر و همکاران، ۲۰۱۲؛ دوروخر شولدیخ، وایت، فلیشهور و فیتزگرالد، ۲۰۱۱؛ فینی و تراش، ۲۰۱۰؛ لیندبلوم و همکاران، ۲۰۱۶). در این شرایط است که افراد با سبک دلبستگی ناایمن جهان پیرامون خود را تهدیدآمیز و پراسترس درک می‌کنند (بروماریو و کرنز، ۲۰۰۸) و برای رهایی از تجربه هیجان‌های به شدت منفی دست به دامان استفاده از مکانیسم‌های دفاعی با تحریف‌آمیزی بیشتر می‌شوند (یبب، لاچمن، مارکس و باهریک، ۲۰۱۲؛ دیکاس و کسیدی، ۲۰۱۱). با استناد به شواهد گفته شده، یکی از اهداف مقدماتی پژوهش حاضر، تعیین رابطه سبک‌های دلبستگی با مکانیسم‌های دفاعی بود.

یکی از مسائل و دغدغه‌های پژوهشگران، موضوع تأثیرگذاری احتمالی متغیرهای واسطه‌ای در رابطه بین دو یا چند متغیر روان شناختی دیگر است. به همین دلیل، مسأله و هدف اصلی پژوهش حاضر تعیین نقش واسطه‌ای یکی از متغیرهای مهم روان‌شناختی، یعنی روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه^۴ در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی بود. بررسی این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که اولاً سبک‌های دلبستگی بر شکل‌گیری روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه تأثیر گذارند و ثانیاً شکل‌گیری این روان‌سازه‌ها، می‌تواند منجر به استفاده فرد از مکانیسم‌های دفاعی ناکارآمد شود (پرایس، ۲۰۰۷؛ والبرگ و چپاراملو، ۲۰۱۵). روان‌سازه‌ها از خاطرات، هیجان‌ها، شناخت‌ها و حس‌های بدنی تشکیل می‌شوند، در دوران کودکی و نوجوانی فرد شکل می‌گیرند و در طول عمر وی گسترش می‌یابند و به میزان زیادی ناکارآمد هستند (یانگ و کلسکو و ویشار، ۲۰۰۳). از نظر شناختی، روان‌سازه‌ها به عنوان ساختار یا الگوی شناختی و یا پیش‌فرضی که بر تجربه فرد تحمیل می‌شود تا بتواند تجربه‌اش را توصیف کند و پاسخ‌هایش را هدایت کند، شناخته می‌شوند (کوکرام، دروموند و لی، ۲۰۱۰). طبق نظر یانگ و همکاران (۲۰۰۳)، روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه در پاسخ به تعاملات منفی

در فرآیند رشد و تحول کودک یک نیاز اولیه و اساسی و پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر است (بالبی، ۱۹۷۳؛ بشارت، ۱۳۹۱). سبک‌های دلبستگی به مدل‌های درونکاری^۱ معینی از دلبستگی اشاره دارد که شکل پاسخ‌های رفتاری افراد را به جدایی از نگاره‌های دلبستگی^۲ و پیوند مجدد تعیین می‌کند (بشارت، ۱۳۹۱). از نظر بالبی (به نقل از ایکاس، بروننگارت - ریکر، لیکنبروک، زنتال و مکسول، ۲۰۱۱؛ فیتون، ۲۰۱۲) لازم است مادر به هماهنگی مناسبی با کودک دست یابد و حساس و پاسخگو باشد تا دلبستگی ایمنی را شکل دهد. هماهنگی مادر با کودک در شرایط استرس‌زا است که خودتنظیمی^۳ کودک و مبانی هیجانی و شناختی و راهبردهای مقابله‌ای وی را شکل می‌دهد (شیور، شاختر و میکولینسر، ۲۰۰۵). در دوران کودکی، کودکان شادمان به والدین خود متکی هستند تا بتوانند برانگیختگی و درماندگی‌هایشان را تنظیم کنند (پورتر، ۲۰۰۳). بر اساس نظر بالبی (۱۹۶۹)، هنگام تهدید، نظام دلبستگی، افراد را به سمت نگاره دلبستگی آنها هدایت می‌کند تا از پریشانی و رنج روانی آنها کاسته شود.

در صورتی که مراقب حساس و پاسخگو باشد دستیابی به رشد شناختی بهتر مانند توجه و مهارت‌های اجرایی، تنظیم هیجان و دلبستگی ایمن را در کودک تسهیل می‌کند و اثرات مثبت بر رشد بعدی وی دارد (ایزنبرگ، اسپینراد و ایگیوم، ۲۰۱۰؛ برنیر، کارلسون، دشنس و مت گانگن، ۲۰۱۲؛ تامپسون و میر، ۲۰۰۷؛ دیکاس و کسیدی، ۲۰۱۱؛ موتسیانا، جان استوک، کورای، فیرون، کوپر و همکاران، ۲۰۱۵). پیوند با مراقب از کودک در مقابل ترس، اضطراب و آسیب محافظت می‌کند و باعث می‌شود مراقب به عنوان پایگاه امن^۴ در نظر گرفته شود که از طریق آن کودک در حال رشد می‌تواند به اکتشاف^۵ دنیا پردازد و به توانایی حل مسأله، قابلیت شناختی و برقراری روابط اجتماعی با دیگران و سلامت جسمی و روانی دست یابد (دویاردانی، هیل، بولینگر، لشلی، مارکس و همکاران، ۲۰۱۴؛ دیویس و مارتین، ۲۰۱۳؛ فیتون، ۲۰۱۲؛ کسیدی و برلین، ۱۹۹۴؛ گیلات، کارانتزاس، فریلی، ۲۰۱۶؛ گلدبرگ، ۲۰۱۴؛ میراندا و لوزا، ۲۰۱۵؛ میکولینسر و شیور، ۲۰۰۷؛ ویدوم، زاجا، کوزاکوفسکی و شوهان، ۲۰۱۸؛ هارت، ۲۰۰۸). از سوی دیگر مراقبت غیرحساس،

4. secure base

5. explore

6. early maladaptive schemas

1. internal working models

2. attachment figures

3. self-regulation

کودکی تکان‌دهنده‌ای داشته‌اند، از برقراری روابط بین‌فردی نزدیک اجتناب می‌کنند و تجارب ناگوار کودکی خود را به روابط بزرگسالی تعمیم می‌دهند (گی، هاردینگ، جکسون، برنز و بیکر، ۲۰۱۳).

یانگ (۲۰۰۳) نشان داد که روان‌سازه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در فکر، احساس، رفتار و تعاملات اجتماعی افراد دارند. از لحاظ نظری، قرار گرفتن در معرض تجارب بدرفتاری هیجانی والدین و بی‌تفاوتی هیجانی در کودکی، ایمنی دلبستگی را تهدید می‌کند و منجر به شکل‌گیری مدل‌های ناسازگار در ارتباط با خود و دیگران می‌شود (رایت، کرافورد و دل کاستیلو، ۲۰۰۹؛ سد، ۲۰۱۲؛ کالوت و اوور، ۲۰۱۳؛ کروتر و مولنتر، ۲۰۱۴؛ مک کارتی و لومی، ۲۰۱۲). کاهش شدت روان‌سازه‌ها منجر به کاهش شدت نشانه‌های آسیب‌شناسی می‌شود (نوردال، هلت و هاگوم، ۲۰۰۵؛ وگنر، آلفر، گیسر، لیتک و کنراد، ۲۰۱۳).

با توجه به آنچه گفته شد هدف این پژوهش بررسی نقش واسطه‌ای روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی بود.

فرضیه‌ها

با توجه به هدف پژوهش و ملاحظات نظری و یافته‌های پژوهشی موجود فرضیه‌های پژوهش به این شرح آزمون شدند: فرضیه اول: بین سبک دلبستگی ایمن و مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته رابطه مثبت وجود دارد؛ فرضیه دوم: بین سبک دلبستگی ایمن و مکانیسم‌های دفاعی نوروپیک و رشدنیافته رابطه منفی وجود دارد؛ فرضیه سوم: بین سبک‌های دلبستگی نایمن و مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته رابطه منفی وجود دارد؛ فرضیه چهارم: بین سبک‌های دلبستگی نایمن و مکانیسم‌های دفاعی نوروپیک و رشدنیافته رابطه مثبت وجود دارد؛ فرضیه پنجم: بین سبک دلبستگی ایمن و روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه رابطه منفی وجود دارد؛ فرضیه ششم: بین سبک‌های دلبستگی نایمن و روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه رابطه مثبت وجود دارد؛ فرضیه هفتم:

والدین و عدم ارضای نیازهای روان‌شناختی فرد، به وجود می‌آیند (به نقل از بشارت، دهقانی و تولائی، ۱۳۹۳). این روان‌سازه‌ها در عمیق‌ترین سطوح شناختی فرد فعال می‌شوند و خارج از حیطه هشیاری عمل می‌کنند و فرد را از لحاظ روانی در برابر افسردگی، اضطراب، روابط ناکارآمد، اعتیاد و اختلالات روانی آسیب‌پذیر می‌کنند (وانگ، هالوورسن، آیسمن و واترلو، ۲۰۱۰). یانگ و همکاران (۲۰۰۳)، پانزده روان‌سازه ناسازگار اولیه را مطرح می‌کنند که در پنج حیطه سازماندهی می‌شوند: گروه اول رهاشدگی و طرد^۱ را شامل می‌شود که دربرگیرنده زیرمجموعه‌های محرومیت هیجانی^۲، رهاشدگی و بی‌ثباتی^۳، بی‌اعتمادی/ بدرفتاری^۴، انزوای اجتماعی/ بیگانگی^۵، و نقص/ شرم^۶ است. گروه دوم خودپروی و عملکرد مختل^۷ را دربر می‌گیرد که شامل شکست^۸، وابستگی/ بی‌کفایتی^۹، آسیب‌پذیری نسبت به زیان یا بیماری^{۱۰} و خود تحول‌نیافته و گرفتار^{۱۱} می‌شود. گروه سوم که گروه حد نارسایی^{۱۲} است که در برگیرنده موارد استحقاق/ بزرگ منشی^{۱۳} و خویش‌داری/ خودانضباطی ناکافی^{۱۴} است. گروه چهارم، روان‌سازه‌های دیگرمحوری^{۱۵} هستند و عبارتند از اطاعت^{۱۶}، ایثار و ازخودگذشتگی^{۱۷}. گروه پنجم روان‌سازه‌ها نیز گروه بیش‌گوش‌بزرگی و بازداری^{۱۸} است که بازداری هیجانی^{۱۹} و معیارهای سرسختانه/ عیب‌جویی افراطی^{۲۰}، در زیر گروه این روان‌سازه‌ها قرار می‌گیرند. روان‌سازه‌ها تحت تأثیر تجارب ارتباطی اولیه کودک با نگاره‌های دلبستگی شکل می‌گیرند، مخصوصاً تجاربی که جلوی ارضای نیازهای هیجانی کودک را می‌گیرند (باسمن، بریت و ون ولیبرگ، ۲۰۱۰؛ تیم، ۲۰۱۰؛ ماسون، پلاتس و تیسون، ۲۰۰۵؛ یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). یافته‌های پژوهش رولف، لی، رویجتن و لوپستال (۲۰۱۱) نشان داد که روان‌سازه‌های حوزه طرد و بریدگی و دیگرجهت‌مندی بین نشانه‌های افسردگی و سبک‌های دلبستگی در یک نمونه ۲۲۲ نفری از نوجوانان نقش واسطه‌ای دارد. بسیاری از کسانی که روان‌سازه‌های ناسازگار دوران

11. enmeshment/ undeveloped self

22. impaired limits

33. entitlement/ grandiosity

44. insufficient self-control/ self-discipline

55. other-directedness

66. subjugation

77. self-sacrifice

88. over vigilance and inhibition

99. emotional inhibition

00. unrelenting standard / hypocriticalness

1. disconnection and rejection

2. emotional deprivation

3. abandonment/ Instability

4. mistrust/ abuse

5. social isolation/ alienation

6. defectiveness/ shame

7. impaired autonomy and performance

8. failure

9. dependence/ incompetence

00. vulnerability to harm and illness

حد اکثر نمره آزمودنی در زیرمقیاس‌های آزمون به ترتیب ۵ و ۲۵ خواهد بود. ضرایب آلفای کرونباخ پرسش‌های زیرمقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونه ($n=1480$; $\alpha=0.86$ زن، 0.82 مرد) برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب 0.85 ، 0.84 ، 0.85 ؛ برای زنان 0.86 ، 0.83 ، 0.84 و برای مردان 0.84 ، 0.85 و 0.86 محاسبه شد که نشانه همسانی درونی^۴ خوب مقیاس دلبستگی بزرگسال است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های یک نمونه^۵ ۳۰۰ نفری از آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله چهار هفته برای سنجش پایایی بازآزمایی^۵ محاسبه شد. این ضرایب در مورد سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب 0.87 ، 0.83 ، 0.84 ؛ برای زنان 0.86 ، 0.82 ، 0.85 و برای مردان 0.88 ، 0.83 و 0.83 محاسبه شد که نشانه پایایی بازآزمایی رضایت بخش مقیاس است. روایی محتوایی^۶ مقیاس دلبستگی بزرگسال با سنجش ضرایب همبستگی بین نمره‌های پانزده نفر از متخصصان روانشناسی مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب توافق کندال برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب 0.80 ، 0.61 و 0.57 محاسبه شد. روایی همزمان^۷ مقیاس دلبستگی بزرگسال از طریق اجرای همزمان مقیاس‌های "مشکلات بین شخصی" و "حرمت خود کوپر اسمیت" در مورد یک نمونه^۸ ۳۰۰ نفری از آزمودنی‌ها ارزیابی شد. نتایج ضرایب همبستگی پیروان نشان داد که بین نمره آزمودنی‌ها در سبک دلبستگی ایمن و زیرمقیاس‌های مشکلات بین شخص همبستگی منفی معنادار (از $r = -0.61$ تا $r = -0.83$) و با زیرمقیاس‌های حرمت خود همبستگی مثبت معنادار (از $r = 0.39$ تا $r = 0.41$) وجود دارد. بین نمره آزمودنی‌ها در سبک‌های دلبستگی ناایمن و زیرمقیاس‌های مشکلات بین شخص همبستگی مثبت معنادار (از $r = 0.26$ تا $r = 0.45$) و با زیرمقیاس‌های حرمت خود همبستگی منفی و اما غیرمعنادار به دست آمد. این نتایج نشان دهنده روایی کافی مقیاس دلبستگی بزرگسال است. نتایج تحلیل عوامل نیز با تعیین سه عامل سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی دوسوگرا، روایی سازه^۸ مقیاس دلبستگی بزرگسال را مورد تأیید قرار داد (بشارت، ۱۳۸۴، ۱۳۹۲، ۲۰۱۱).

بین روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه و مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته رابطه منفی وجود دارد؛ فرضیه هشتم: بین روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه و مکانیسم‌های دفاعی نوروپیک و رشدنیافته رابطه مثبت وجود دارد؛ فرضیه نهم: روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی نقش واسطه‌ای دارند.

روش

جامعه آماری پژوهش حاضر دانشجویان دختر و پسر کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه تهران بودند. روش پژوهش حاضر توصیفی و طرح پژوهش از نوع همبستگی بود. تعداد ۴۰۰ دانشجوی (۲۱۶ پسر، ۱۸۴ دختر) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و مقیاس دلبستگی بزرگسال^۱ (AAI)، پرسشنامه سبک‌های دفاعی^۲ (DSQ) و پرسشنامه روان‌سازه یانگ - فرم کوتاه^۳ (YSQ-SF) را تکمیل کردند. شرایط شرکت در پژوهش، نداشتن سابقه بیماری روانی یا بستری در بیمارستان و استفاده نکردن از داروهای روانپزشکی هنگام اجرای پژوهش بود. برای کنترل اثر خستگی و ترتیب، پرسشنامه‌ها با ترتیب‌های متفاوت تنظیم و توزیع شدند. میانگین سنی کل نمونه ۲۴/۳۰ سال، با انحراف استاندارد ۳/۶۳ و دامنه سنی بین ۱۸ تا ۴۱ سال بود؛ میانگین سن دختران ۲۵/۶۰ سال با انحراف استاندارد ۳/۴۵ و میانگین سن پسران ۲۳/۲۰ سال با انحراف استاندارد ۳/۴۳ بود. ابزار مورد استفاده در این پژوهش به شرح زیر معرفی می‌شوند.

ابزار

پرسشنامه‌های پژوهش به شرح زیر در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت.

مقیاس دلبستگی بزرگسال: مقیاس دلبستگی بزرگسال (AAI)؛ (بشارت، ۱۳۸۴، ۲۰۱۱) که با استفاده از مواد آزمون دلبستگی هازن و شیور (۱۹۸۷) ساخته و در مورد نمونه‌های دانشجویی، دانش‌آموزی و جمعیت عمومی ایرانی هنجاریابی شده است (بشارت، ۱۳۸۴، ۲۰۱۱)، یک آزمون ۱۵ سؤالی است و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (خیلی کم = ۱، کم = ۲، متوسط = ۳، زیاد = ۴، خیلی زیاد = ۵) می‌سنجد. حداقل و

5. test-retest reliability
6. content validity
7. concurrent validity
8. construct validity

1. Adult Attachment Inventory (AAI)
2. Defense Styles Questionnaire (DSQ)
3. Young Schema Questionnaire-Short Form (YSQ-SF)
4. internal consistency

پرسشنامه توسط اشمیت، جوینر، یانگ و تلچ^{۲۲} (۱۹۹۵) انجام شد. نتایج این پژوهش‌ها نشان داد که برای هر روان‌سازه ناسازگار اولیه ضریب آلفا از ۰/۸۳ (برای روان‌سازه خود تحول نیافته/گرفتار) تا ۰/۹۶ (برای روان‌سازه نقص/شرم) به دست آمد و ضریب پایایی بازآزمایی در جمعیت غیربالینی بین ۰/۵۰ تا ۰/۸۲ محاسبه شد. همچنین این پرسشنامه با مقیاس‌های ناراحتی روان‌شناختی، احساس ارزشمندی، آسیب‌پذیری شناختی نسبت به افسردگی و نشانه‌های اختلالات شخصیت، روایی و همگرا^{۲۳} و افتراقی^{۲۴} خوبی نشان داده است. در بررسی مقدماتی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم فارسی این مقیاس در نمونه‌ای از جمعیت دانشجویی (n=۳۸۷، ۲۵۲ دختر و ۱۳۵ پسر)، ضریب آلفای کرونباخ برای همسانی درونی هر یک از روان‌سازه‌ها در دامنه‌ای بین ۰/۶۹ (برای ایثار) تا ۰/۸۳ (برای وابستگی/بی‌کفایتی) به دست آمد. برای پذیرفتن و اجتناب از بلا تکلیفی^{۲۵}، برای بلا تکلیفی بازدارنده از عمل ۰/۸۷ و برای نمره کل تحمل‌ناپذیری بلا تکلیفی ۰/۸۹ محاسبه شد (آهی، محمدی‌فر و بشارت، ۱۳۸۶). روایی سازه، همگرا و تشخیصی (افتراقی) پرسشنامه روان‌سازه یانگ از طریق اجرای همزمان مقیاس اضطراب، افسردگی و اضطراب پارانویا (SCL-25، بک و اپستین، ۱۹۹۳) محاسبه شد. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره آزمودنی‌ها در هر یک از زیرمقیاس‌های پرسشنامه روان‌سازه یانگ با مقیاس اضطراب، افسردگی و اضطراب پارانویا همبستگی مثبت معنادار (P<۰/۰۰۱) وجود دارد. نتایج مقدماتی تحلیل عامل با استفاده از روش مؤلفه‌های اصلی نشان داد که ۱۱ عامل از پرسشنامه روان‌سازه یانگ استخراج می‌شود که مجموعاً ۶۵/۸۵ درصد از کل واریانس آن را تبیین می‌کند (آهی و همکاران، ۱۳۸۶).

پرسشنامه سبک‌های دفاعی: پرسشنامه سبک‌های دفاعی (DSQ؛ اندروز و همکاران، ۱۹۹۳)، یک ابزار ۴۰ سؤالی است که در مقیاس ۹ درجه‌ای لیکرت (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) بیست مکانیسم دفاعی را بر حسب سه سبک دفاعی رشد یافته، نوروپیک و رشد نیافته می‌سنجد. سبک دفاعی رشد یافته شامل مکانیسم‌های والایش^۱، شوخ طبعی^۲، پیش‌بینی^۳ و فرونشانی^۴ است. مکانیسم‌های مربوط به سبک دفاعی نورپیک عبارتند از: ابطال^۵، نوع دوستی کاذب^۶، آرمانی‌سازی^۷ و واکنش متضاد^۸. سبک دفاعی رشد نیافته نیز از دوازده مکانیسم دفاعی به این شرح تشکیل شده است: فرافکنی^۹، پرخاشگری نافع^{۱۰}، عملی‌سازی^{۱۱}، مجزاسازی^{۱۲}، نازرنده‌سازی^{۱۳}، خیال‌پردازی اوتیستیک^{۱۴}، انکار^{۱۵}، جابجایی^{۱۶}، تفرق^{۱۷}، دوپارگی^{۱۸}، دلیل تراشی^{۱۹} و بدنی‌سازی^{۲۰}. ضریب آلفای کرونباخ برای پرسش‌های هر یک از سبک‌های دفاعی رضایت‌بخش توصیف شده‌اند (اندروز و همکاران، ۱۹۹۳). ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی پرسشنامه سبک‌های دفاعی در چندین پژوهش، که در خلال سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۵ در نمونه‌های بیمار (n=۴۲۳) و بهنجار (n=۱۳۹۷) انجام شده‌اند، مورد بررسی و تأیید قرار گرفته‌اند (بشارت، ۱۳۸۶؛ بشارت و همکاران، ۱۳۸۰).

فرم کوتاه پرسشنامه روان‌سازه یانگ: فرم کوتاه پرسشنامه روان‌سازه یانگ (YSQ-SF؛ یانگ و براون^{۲۱}، ۱۹۹۹) یک پرسشنامه ۷۵ سؤالی است که ۱۵ روان‌سازه ناسازگار اولیه را می‌سنجد. هر یک از ۷۵ عبارت این پرسشنامه در مقیاس لیکرت ۶ درجه‌ای از کاملاً نادرست (نمره ۱) تا کاملاً درست (نمره ۶) نمره گذاری می‌شود. نمره هر فرد در هر روان‌سازه با جمع نمرات ۵ سؤال مربوط به آن روان‌سازه حاصل می‌شود که دامنه آن در هر روان‌سازه از ۵ تا ۳۰ است. نمرات بالا نشان‌دهنده وجود روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه بیشتر در فرد است. اولین پژوهش جامع برای سنجش ویژگی‌های روان‌سنجی این

33. devaluation

44. autistic fantasy

55. denial

66. displacement

77. dissociation

88. splitting

99. rationalization

00. somatization

11. Young, J. E., & Brown, G.

22. Schmidt, N. B., Joiner, T. E., Young, J. E., & Telch, M. J.

33. convergent validity

44. discriminant

1. sublimation

2. humor

3. anticipation

4. suppression

5. undoing

6. pseudo-altruism

7. idealisation

8. reaction formation

9. projection

00. passive-aggressive

11. acting-out

22. isolation

داده‌ها و یافته‌ها

یافته‌های توصیفی مربوط به میانگین و انحراف استاندارد اعضای نمونه در متغیرهای مورد مطالعه به تفکیک جنس در جدول ۱ گزارش شده است.

ماتریس ضرایب همبستگی متغیرها در جدول ۲ نشان داده شده است. نتایج آزمون همبستگی نشان داد که سبک دلبستگی ایمن با مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته و سبک‌های دلبستگی نایمن با مکانیسم‌های دفاعی نورووتیک و رشدنیافته رابطه مثبت معنادار داشتند. همچنین سبک دلبستگی ایمن با مکانیسم‌های دفاعی

نورووتیک و رشدنیافته رابطه منفی معنادار و سبک‌های دلبستگی نایمن با مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته رابطه منفی معنادار داشتند. نتایج همچنین نشان داد که سبک دلبستگی ایمن با روان‌سازهای ناسازگار اولیه رابطه منفی معنادار و سبک‌های دلبستگی نایمن با روان‌سازهای ناسازگار اولیه رابطه مثبت معنادار داشتند. همچنین روان‌سازهای ناسازگار اولیه با مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته رابطه منفی معنادار و با مکانیسم‌های دفاعی نورووتیک و رشدنیافته رابطه مثبت معنادار داشتند. بر اساس این نتایج، هشت فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شوند.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد سبک‌های دلبستگی، سبک‌های دفاعی و روان‌سازهای ناسازگار اولیه

متغیر / شاخص	پسر		دختر		کل	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
سن	۲۳/۲۳	۳/۴۳	۲۵/۵۹	۳/۴۵	۲۴/۳۲	۳/۶۳
دلبستگی ایمن	۱۳/۹۳	۳/۷۸	۱۴/۱۰	۳/۰۴	۱۴/۰۱	۳/۴۶
دلبستگی اجتنابی	۱۴/۹۶	۴/۳۱	۱۳/۹۲	۱۳/۷۹	۱۴/۴۳	۴/۱۲
دلبستگی دوسوگرا	۱۵/۴۲	۴/۲۰	۱۰/۵۸	۱۳/۸۴	۱۴/۶۹	۴/۱۶
مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته	۳۷/۳۱	۱۴/۳۶	۴۰/۸۳	۱۲/۵۴	۳۸/۹۲	۱۳/۶۶
مکانیسم‌های دفاعی رشدنیافته	۱۱۰/۴۰	۳۴/۴۰	۱۰۷/۵۸	۲۰/۶۶	۱۰۹/۱۵	۲۹/۱۵
مکانیسم‌های دفاعی نورووتیک	۳۸/۲۷	۱۰/۸۸	۴۰/۱۰	۹/۰۹	۳۹/۱۰	۱۰/۱۴
رهاشدگی و طرد	۷۵/۳۶	۲۸/۲۸	۵۸/۸۸	۲۴/۳۵	۶۷/۷۸	۲۷/۷۶
خودمحوری و عملکرد مختل	۵۶/۸۴	۲۸/۳۷	۳۹/۸۹	۲۱/۸۵	۴۹/۰۴	۲۶/۹۱
حدنارسایی	۳۳/۵۴	۱۲/۱۸	۳۰/۵۴	۱۰/۸۶	۳۲/۱۶	۱۱/۶۷
دیگر محوری	۳۴/۱۶	۱۱/۹۴	۲۸/۳۸	۹/۵۷	۳۱/۱۲	۱۱/۴۲
بیش گوش به زنگی و بازداری	۶۰	۳۴/۱۶	۳۱/۲۸	۱۱/۸۴	۳۲/۸۴	۱۱/۹۷

جدول ۲. ماتریس ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱- دلبستگی ایمن										
۲- دلبستگی اجتنابی	۰/۶۷**									
۳- دلبستگی دوسوگرا	۰/۴۱**	۱								
۴- مکانیسم‌های رشدیافته	۰/۵۲**	۰/۵۳**	۰/۴۸**							
۵- مکانیسم‌های رشدنیافته	۰/۵۴**	۰/۵۴**	۰/۵۳**	۱						
۶- مکانیسم‌های نورووتیک	۰/۲۶**	۰/۱۸**	۰/۲۴**	۰/۱۶**	۰/۶۲**	۱				
۷- رهاشدگی و طرد	۰/۵۷**	۰/۶۶**	۰/۷۱**	۰/۶۷**	۰/۷۱**	۰/۲۸**	۱			
۸- خودپیری مختل	۰/۵۱**	۰/۶۳**	۰/۵۹**	۰/۶۷**	۰/۶۵**	۰/۲۸**	۰/۸**	۱		
۹- حدنارسایی	۰/۵۰**	۰/۶۹**	۰/۳۲**	۰/۴۷**	۰/۵۴**	۰/۵۲**	۰/۷۱**	۰/۶۸**	۱	
۱۰- دیگر محوری	۰/۴۶**	۰/۵۱**	۰/۵۷**	۰/۵۲**	۰/۷۱**	۰/۴۸**	۰/۷۹**	۰/۷۶**	۰/۷۰**	۱
۱۱- بیش گوش به زنگی و بازداری	۰/۳۷**	۰/۵۷**	۰/۵۴**	۰/۵۰**	۰/۶۷**	۰/۵۵**	۰/۷۴**	۰/۶۷**	۰/۶۹**	۰/۷۰**

فرضی پژوهش از ماتریس واریانس- کوواریانس به عنوان داده‌های ورودی و با توجه به نرمال بودن داده‌ها، از روش حداکثر درست نمایی (ML) استفاده شد. جدول ۳ ضرایب استاندارد، غیراستاندارد و میزان معناداری مسیرهای مستقیم برای مدل فرضی نقش واسطه‌ای

به منظور بررسی نقش واسطه‌ای روان‌سازهای ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی، پس از تأیید پیش فرض‌های لازم برای تحلیل مسیر (نرمال بودن توزیع داده‌ها، نبود داده‌های پرت و خطی بودن روابط بین متغیرها) برای آزمون مدل

جدول ۵ شاخص‌های برازش مدل فرضی را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود مدل فرضی برازش مناسب را ندارد. بنابراین، فرضیه نهم مبنی بر نقش واسطه‌ای روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی با توجه به این که مدل مورد نظر برازش مناسب نداشته است، تأیید نمی‌شود.

روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی را نشان می‌دهد. همان‌طور که جدول ۳ و ۴ نشان می‌دهند تمامی مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم درباره مدل فرضی پژوهش معنادار است.

جدول ۳. ضرایب استاندارد و غیراستاندارد مسیرهای مستقیم مدل فرضی نقش واسطه‌ای روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی

مسیرها	B	β	t
اثر سبک دلبستگی ایمن بر روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه	-۰/۰۵	۰/۱۹ ^{***}	-۴/۳۹
اثر سبک دلبستگی اجتنابی بر روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه	۰/۰۹	۰/۳۵ ^{***}	۷/۹۱
اثر سبک دلبستگی دوسوگرا بر روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه	۰/۱۱	۰/۴۵ ^{***}	۱۲/۵۰
اثر روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه بر مکانیسم‌های دفاعی	-۰/۸۷	۰/۸۷ ^{***}	-۱۳/۱۸
اثر سبک دلبستگی ایمن بر مکانیسم‌های دفاعی	۰/۰۶	۰/۲۰ ^{***}	۴/۵۷
اثر سبک دلبستگی اجتنابی بر مکانیسم‌های دفاعی	۰/۰۰۱	۰/۰۱	۰/۲۵
اثر سبک دلبستگی دوسوگرا بر مکانیسم‌های دفاعی	۰/۰۰۱	۰/۰۱	۰/۱۵

جدول ۴. ضرایب استاندارد مسیرهای غیرمستقیم مدل فرضی نقش واسطه‌ای روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی

مسیرها	β
اثر سبک دلبستگی ایمن بر مکانیسم‌های دفاعی به واسطه روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه	۰/۳۶۵
اثر سبک دلبستگی اجتنابی بر مکانیسم‌های دفاعی به واسطه روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه	-۰/۲۹۴
اثر سبک دلبستگی دوسوگرا بر مکانیسم‌های دفاعی به واسطه روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه	-۰/۳۸۱

جدول ۵. شاخص‌های نیکویی برازش برای مدل فرضی نقش واسطه‌ای روان‌سازه‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی

RMSEA	Chi-2	Df	P-VALUE	GFI	AGFI	NFI	NNFI	IFI	CFI	PNFI	PGFI	PMR
۰/۱۶	۴۲۲/۹۹	۳۷	۰/۰۰۱	۰/۸۲۳	۰/۶۸۵	۰/۸۸۳	۰/۸۳۹	۰/۸۹۲	۰/۸۹۲	۰/۵۹۴	۰/۴۶۲	۰/۰۵۷

بحث و نتیجه‌گیری

بنابراین، چنین کودکی از همان ابتدا جهان پیرامون خود را تهدید آمیز و سرشار از اضطراب تلقی نمی‌کند و از این رو تجارب وی در موقعیت‌های مختلف مبتنی بر واقعیت بیرونی خواهد بود. در چنین حالتی، شکل‌گیری مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته، قابل انتظار است زیرا این مکانیسم‌ها با تحریف اساسی واقعیت همراه نیستند و به فرد برای مدیریت هیجان‌های منفی کمک می‌کنند. همچنین مطابق نظر سادوک و سادوک (۲۰۱۱) در دلبستگی ایمن، مادر آرامش‌بخشی و تسکین‌دهندگی اولیه را برای کودک فراهم می‌کند که مشابه عملکرد مکانیسم‌های دفاعی من است و هیجان‌های ناخوشایند و درماندگی را کاهش می‌دهد. هنگامی که هیجان‌های منفی توسط فرد تجربه می‌شود، وی تلاش می‌کند تا این هیجان‌های منفی را به وسیله مکانیسم‌های دفاعی یا رفتارهای دلبستگی‌جویانه کاهش دهد.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن و مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته رابطه مثبت معنادار و بین سبک دلبستگی ایمن و مکانیسم‌های دفاعی نوروپیک و رشدیافته رابطه منفی معنادار وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های پیشین (بشارت و خجوی، ۲۰۱۳؛ بشارت و همکاران، ۱۳۸۰؛ مک ماهون و همکاران، ۲۰۰۵؛ میراندا و لوزا، ۲۰۱۵؛ هارت، ۲۰۱۴) همسو است و بر حسب چند احتمال تبیین می‌شود. مطابق با نظر فیتون (۲۰۱۲) یکی از مهمترین دستاوردهایی که دلبستگی ایمن برای کودک به همراه دارد این است که پیوند با مراقب از کودک در مقابل ترس و اضطراب محافظت می‌کند و مراقب به پایگاه امن کودک تبدیل می‌شود که به وی قدرت اکتشاف‌گری در جهان پیرامون را می‌دهد.

دفاعی را به کار می‌گیرد که این مکانیسم‌ها نوروتیک و رشد نیافته هستند. در واقع تکیه بر مکانیسم‌های دفاعی نوروتیک و رشد نیافته به دلیل احساس نایمنی است که ناشی از تجارب آسیب‌پذیری و کمبود اعتماد به توانایی فرد در مقابله با تهدیدها است. در دلبستگی‌های نایمن، شامل دوسوگرا و اجتنابی، می‌توان انتظار مکانیسم‌های دفاعی تحریف‌آمیزتری را داشت؛ زیرا هنگامی که دلبستگی کودک از ابتدا به شکلی نایمن تحول می‌یابد، وی جهان پیرامون خود را تهدیدآمیز تلقی می‌کند و دائماً انتظار وقوع پیامدهای ناگوار و استرس‌آمیز را دارد (بروماریو و کرنز، ۲۰۰۸). در چنین شرایطی، میزان تجربه هیجان‌های منفی در سطح بالایی قابل انتظار است (دوروخر شودلیخ و همکاران، ۲۰۱۱). از آنجا که کودک نمی‌تواند با تکیه بر دلبستگی ایمن با مراقب خود، به حس امنیت و اعتماد دست یابد، به صورت ناهشیار به مکانیسم‌های دفاعی بیشتر تحریف‌آمیز شامل رشد نیافته و نوروتیک روی می‌آورد. در واقع، این مکانیسم‌های دفاعی تحریف‌آمیز واکنشی طبیعی به دلبستگی نایمن در این شرایط هستند. به علاوه، سبک دلبستگی افراد مبانی هیجانی و شناختی و راهبردهای مقابله‌ای آنها را شکل می‌دهد (شیور و همکاران، ۲۰۰۵) و افراد با دلبستگی نایمن رشد روانی، هیجانی و شناختی بهینه‌ای را در دوران رشد خود به دست نیاورده‌اند (برنیر و همکاران، ۲۰۱۲). علاوه بر این، اعتماد به خود و دیگران (بشارت، ۱۳۸۵)، روابط اجتماعی (گیلات و همکاران، ۲۰۱۶)، انعطاف‌پذیری (بشارت، ۱۳۹۱)، خودکارآمدی و حرمت خود (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۷)، جوارجویی (بالبی، ۱۹۶۹) و قدرت اکتشاف‌گری (گلدبرگ، ۲۰۱۴) از ویژگی‌هایی است که در افراد دلبسته نایمن به صورت ناقص شکل گرفته است. رفتار جستجوگرانه و اکتشاف‌گری محدود افراد با دلبستگی نایمن باعث ناسازگاری آنها در موقعیت‌های اجتماعی می‌شود و غیرقابل پیش‌بینی بودن نگاه دلبستگی و عدم توانایی در کسب حمایت اجتماعی لازم (بروماریو و کرنز، ۲۰۰۸؛ فینی و تراش، ۲۰۱۰) اضطرابشان را افزایش می‌دهد. از این رو در زمان‌های استرس‌زا هیجان‌های منفی شدیدی را تجربه می‌کنند که برای کاهش تجربه این هیجان‌های منفی و مقابله با احساس نایمنی مجبور به استفاده از مکانیسم‌های دفاعی رشد نیافته و نوروتیک به عنوان سبک‌های مقابله‌ای ناکارآمد می‌شوند تا درد و رنج ناشی از طرد شدن و عدم پذیرش هیجان‌هایشان از جانب مراقبان را احساس نکنند. مطابق نظر دیویس و

(داینر و همکاران، ۲۰۰۲). اگرچه در سنین بالاتر کودکان ظاهراً مستقل از نگاه‌های دلبستگی رفتار می‌کنند، اما سبک‌های دلبستگی اولیه آنها در تمامی موقعیت‌ها بر الگوهای رفتاری آنها تأثیر می‌گذارد (گلدبرگ، ۲۰۱۴). در واقع وقتی فرد بازنمایی مناسبی از نگاه‌های دلبستگی خود در دوران کودکی ندارد، در زمان تجربه هیجان‌های منفی به استفاده از مکانیسم‌های دفاعی تحریف‌آمیزی روی می‌آورد که در ماندگی را کاهش دهند. همچنین افرادی که از دلبستگی ایمن برخوردار هستند، از راهبردهای مقابله‌ای کارآمدتری مانند حل مسأله و دریافت حمایت از دیگران (کسیدی و برلین، ۱۹۹۴) در شرایط استرس‌زا استفاده می‌کنند. دلبستگی ایمن، این امکان را به آنها داده است که از کودکی، دامنه روابط بین فردی و اجتماعی مناسبی داشته باشند و راهبردهای مقابله‌ای بیشتری را در بافت اجتماعی، آموخته باشند. همچنین گسترش شبکه اجتماعی و در نتیجه برخورداری از حمایت اجتماعی بالاتر در هنگام مواجهه با استرس‌های روزمره، برای افراد دارای دلبستگی ایمن بیشتر محتمل است. بنابراین در هنگام مواجهه با استرس‌ها و هیجان‌های منفی شدید، افراد دارای دلبستگی ایمن، به احتمال زیاد از راهبردهای کارآمد موجود در خزانه رفتاری خود و نیز جلب حمایت اجتماعی برای غلبه بر تجارب هیجانی منفی استفاده می‌کنند که نیاز آنها به استفاده از مکانیسم‌های ناکارآمد را از بین می‌برد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی نایمن و مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته رابطه منفی معنادار و بین سبک‌های دلبستگی نایمن و مکانیسم‌های دفاعی نوروتیک و رشد نیافته رابطه مثبت معنادار وجود دارد. این یافته همسو با نتایج پژوهش‌های پیشین (بشارت و خجوی، ۲۰۱۳؛ بشارت و همکاران، ۱۳۸۰؛ مک ماهون و همکاران، ۲۰۰۵؛ میراندا و لوزا، ۲۰۱۵؛ هارت، ۲۰۱۴) است که نشان داده‌اند که سبک‌های دلبستگی نایمن با دفاع‌های رشد نیافته در حوزه‌های سلامت روان و روابط اجتماعی ارتباط دارند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که سبک دلبستگی نایمن زمانی شکل می‌گیرد که مراقبان از کودک غفلت می‌کنند، در ماندگی وی را نارضازنده‌سازی می‌کنند و نسبت به نیازهای وی حساس نیستند که این شرایط منجر به شکل‌گیری مدل‌های درونکاری نایمن می‌شود. این مدل‌های نایمن انعطاف‌ناپذیر هستند و در موقعیت‌های مختلف به یک شکل بازنمایی می‌شوند (بالبی، ۱۹۶۹). بدین ترتیب فردی با سبک دلبستگی نایمن در موقعیت‌های مختلف یک نوع مکانیسم

مراحل بعدی زندگی تأثیرات شدیدی می‌گذارد (کروتر و مولتر، ۲۰۱۴). در چنین شرایطی، کودک ادراک منفی خود از رابطه با نگاره دلبستگی را به کل زندگی و انسان‌های دیگر در روابط بعدی تعمیم می‌دهد که منجر به شکل‌گیری روان‌سازهای ناسازگار اولیه می‌شود. به عنوان مثال، هنگامی که کودک در ارتباط با موضوع دلبستگی خود، احساس طرد و رهاشدگی، احساس ناایمنی و انتظار وقوع تجربیات منفی را دارد، این نگرش را به کل زندگی خود و ارتباط با افراد دیگر نیز تعمیم می‌دهد (گی و همکاران، ۲۰۱۳). بنابراین، می‌توان گفت دلبستگی ایمن، می‌تواند مانع مهمی برای شکل‌گیری روان‌سازهای ناسازگار اولیه باشد، در حالی که دلبستگی ناایمن در واقع منشاء اولیه شکل‌گیری روان‌سازهای ناسازگار اولیه است.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که روان‌سازهای ناسازگار اولیه با مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته رابطه منفی معنادار و با مکانیسم‌های دفاعی نوروپیک و رشدنا یافته رابطه مثبت معنادار داشتند. اگرچه تاکنون هیچ پژوهشی دقیقاً به بررسی رابطه این دو متغیر با یکدیگر نپرداخته، اما می‌توان این یافته‌ها را با نتایج پژوهش‌های پیشین (برای مثال، پرایس، ۲۰۰۷؛ والبرگ و چیاراملو، ۲۰۱۵) همسو دانست. در تبیین این یافته می‌توان گفت که روان‌سازهای ناسازگار اولیه، اگرچه دارای ساختاری منسجم در ادراک و تبیین تجارب فرد در زندگی شخصی و بین فردی هستند و الگوی شناختی فرد را شکل می‌دهند و با پیش فرضی که به تجارب فرد می‌دهند باعث می‌شوند فرد بتواند تجربه‌اش را توصیف و پاسخ‌هایش را هدایت کند (کوکرام، ۲۰۱۰)، اما در نهایت، به تداوم و افزایش ناراحتی‌های هیجانی افراد و حفظ و عود ویژگی‌های ناسازگار شخصیتی، ناراحتی‌های روان‌شناختی و مشکلات سلامت روان و اختلالات هیجانی مختلف مانند اضطراب و افسردگی کمک می‌کنند (رولف و همکاران، ۲۰۱۱؛ کالوت و اورو، ۲۰۱۳؛ کروتر و مولتر، ۲۰۱۴). از این رو قابل انتظار است که فردی که از درجات شدیدتر روان‌سازهای ناسازگار اولیه رنج می‌برد، دامنه وسیع‌تری از هیجان‌های منفی و آزاردهنده را تجربه نماید. پس برای کاهش آنها دست به دامان روش‌های مقابله‌ناکارآمد که بتوانند واقعیت رنج‌آور را تحریف کنند، می‌شود (یانگ، ۲۰۰۳). از سوی دیگر، مکانیسم‌های دفاعی با هدف کاهش اضطراب و حفاظت از فرد در مقابل خطرات درونی و بیرونی به وسیله تحریف واقعیت عمل

مارتین (۲۰۱۳) کودکان با سبک دلبستگی ناایمن در بیان حالات هیجانی خود یا اغراق می‌کنند و یا آنها را سرکوب می‌کنند و راهبردهای مقابله‌ای خود را با کیفیت تعامل‌های بین فردی و خانوادگی خود وفق می‌دهند تا اطمینان حاصل کنند که حمایت و مجاورت مراقب خود را از دست نمی‌دهند (لیندبلوم و همکاران، ۲۰۱۶). از این رو در تعامل‌های بین فردی از مکانیسم‌های دفاعی نوروپیک و رشدنا یافته استفاده می‌کنند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن و روان‌سازهای ناسازگار اولیه رابطه منفی معنادار و بین سبک‌های دلبستگی ناایمن و روان‌سازهای ناسازگار اولیه رابطه مثبت معنادار وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های پیشین (باسمن و همکاران، ۲۰۱۰؛ رایت و همکاران، ۲۰۰۹؛ رولف و همکاران، ۲۰۱۱؛ سد، ۲۰۱۲؛ کالوت و اورو، ۲۰۱۳؛ مک کارتی و لومی، ۲۰۱۲) همسو است. در تبیین رابطه سبک‌های دلبستگی و روان‌سازهای ناسازگار اولیه می‌توان گفت که طبق نظر یانگ و همکاران (۲۰۰۳) ساختارهای ناکارآمد روان‌سازها در کودکی و در پاسخ به ناکام ماندن نیازهای هیجانی اساسی از جمله نیاز به دلبستگی ایمن شکل می‌گیرند. در واقع روان‌سازهای ناسازگار اولیه ناشی از تعامل‌های منفی اولیه در زندگی هستند و حاصل تجاربی هستند که مانع ارضای نیازهای هیجانی کودک مخصوصاً نیاز به دلبستگی در تعامل با نگاره‌های دلبستگی می‌شوند (باسمن و همکاران، ۲۰۱۰؛ تیم، ۲۰۱۰؛ رایت و همکاران، ۲۰۰۹). هنگامی که کودک از دلبستگی ایمن شامل نیاز به امنیت، ثبات، محبت و پذیرش برخوردار است، نیازهای هیجانی وی به موقع و به اندازه ارضا می‌شوند. از این رو چنین کودکی جهان پیرامون خود و روابط بین فردی خود در این جهان را ایمن و ارضاکننده، تلقی می‌کند. بنابراین، در چنین شرایطی احتمال این که کودک به چارچوب‌های ناکارآمد و تحریف‌آمیز برای تبیین جهان پیرامون خود و واکنش نشان دادن به این جهان، پناه برد، کمتر خواهد بود. به عبارت دیگر، هنگامی که نیاز دلبستگی کودک در بستر تعامل با نگاره‌های دلبستگی ارضا شود، روان‌ساز وی برای ادراک زندگی خود و دیگران، روان‌سازهای سازش یافته و مبتنی بر واقعیت خواهد بود. هنگامی که دلبستگی کودک به صورت ایمن شکل نمی‌گیرد و در قالب سبک‌های ناایمن همچون دوسوگرا و اجتنابی تحول می‌یابد، روان‌ساز وی در مورد ادراک جهان پیرامون و انسان‌های دیگر نیز سازش‌نا یافته و تحریف شده خواهد بود و در

رشدیافتگی و پیچیدگی شناختی کافی برخوردار نیستند (پورسرلی و همکاران، ۲۰۱۷). این مسأله نشان می‌دهد که اوایل کودکی دوره حساس برای رشد مکانیسم‌های دفاعی است و میزان رشدیافتگی و انطباقی بودن دفاع‌ها مستقیماً تحت تأثیر تجارب اولیه اجتماعی و هیجانی دوران کودکی است (لیندبلوم و همکاران، ۲۰۱۶). همچنین یکی از کارکردهای سبک دلبستگی ایمن کاهش اضطراب و هیجان‌های منفی است زیرا کودک در زمان احساس تهدید از در دسترس بودن نگاره دلبستگی و دریافت حمایت کافی اطمینان دارد، اما سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا استرس و هیجان‌های منفی تشدید شده‌ای را به فرد تحمیل می‌کنند و وی را به استفاده از مکانیسم‌های به شدت تحریف‌آمیز و ناکارآمد مجبور می‌کنند. بر این اساس، سبک‌های دفاعی تحت تأثیر مستقیم و عمیق سبک‌های دلبستگی در طول زندگی هستند. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که قدرت این رابطه خطی به حدی است که می‌تواند تأثیر نقش عوامل واسطه‌ای را در این میان کمرنگ کند.

یافته‌های این پژوهش پیامدهای نظری و عملی مهمی دارد. در سطح نظری، نتایج پژوهش کنونی می‌تواند به افزایش دانش نظری در مورد اثرات منفی و مثبت بلندمدت سبک‌های دلبستگی بر سلامت روانی کمک کند. در واقع، این پژوهش در راستای پیشینه نظری و پژوهشی، مبین نقش مهم کیفیت روابط دلبستگی در سال‌های اولیه، در فرآیندهای بلندمدت شناختی و ناهشیار در سراسر عمر است. در سطح پیامدهای عملی، یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند اهمیت مداخله در بهبود سبک‌های دلبستگی برای مداخلات پیشگیرانه را نشان می‌دهند. یافته‌های این پژوهش به طور ضمنی نشان می‌دهد که بسیاری از آسیب‌های روان‌شناختی دوره بزرگسالی می‌توانند با جلوگیری از ایجاد سبک‌های دلبستگی نایمن در دوره کودکی، پیشگیری شوند. بر این اساس، کمک به شکل‌گیری دلبستگی ایمن در سال‌های کودکی، می‌تواند در حکم نوعی ایمن‌سازی روانی در برابر بسیاری از آسیب‌ها همچون روان‌سازیه‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دفاعی سازش‌نیافته باشد. از این رو یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند مبنای تجربی مناسب برای تدوین برنامه‌های آموزشی و بهداشتی در چهارچوب روابط مادر-کودک، برنامه‌های مداخله و درمان مبتنی بر سبک‌های دلبستگی و روان‌سازیه‌های ناسازگار اولیه قرار گیرد.

جامعه آماری پژوهش و نوع پژوهش، محدودیت‌هایی را در

می‌کنند. در نتیجه، در چنین شرایطی، احتمال استفاده از مکانیسم‌های دفاعی تحریف‌آمیزتر مانند سبک‌های دفاعی رشد‌نیافته و نوروپیک، بسیار بیشتر خواهد بود. در واقع، در مورد چنین افرادی، از یک سو روان‌سازیه‌های ناسازگار اولیه، امکان ادراک واقع‌بینانه از مسائل و حل مسئله مبتنی بر جنبه‌های واقع‌بینانه را سلب می‌کنند و از سوی دیگر، فرد تجارب هیجانی ناخوشایند شدیدی را تجربه می‌کند. بنابراین، فرد به طور ناهشیار به استفاده از سبک‌های دفاعی رشد‌نیافته و نوروپیک روی می‌آورد. از سوی دیگر کاهش شدت روان‌سازیه‌های ناسازگار اولیه با کاهش شدت نشانه‌های آسیب‌شناسی روانی و مشکلات سلامت روان مرتبط است (نوردهال و همکاران، ۲۰۰۵؛ وگنر و همکاران، ۲۰۱۳) که باعث افزایش ظرفیت انطباقی فرد در مواجهه با شرایط استرس‌زا می‌شود و فرد رنج هیجانی کمتری را تجربه می‌کند و احتمال استفاده از مکانیسم‌های دفاعی سازش‌یافته‌تر یعنی مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته افزایش می‌یابد.

نقش واسطه‌ای روان‌سازیه‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی در این پژوهش تأیید نشد. تاکنون پژوهشی که دقیقاً به بررسی این موضوع پرداخته باشد، صورت نگرفته است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که پژوهش‌های قبل به نقش پررنگ رابطه خطی بین سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی اشاره کردند. شواهد مختلف نشان داده‌اند که رشد مکانیسم‌های دفاعی تحت تأثیر مستقیم سبک‌های دلبستگی صورت می‌گیرد (بشارت و خجوی، ۲۰۱۳؛ بشارت و همکاران، ۱۳۸۰؛ مک ماهون و همکاران، ۲۰۰۵؛ میراندا و لوزا، ۲۰۱۵؛ هارت، ۲۰۱۴). سبک‌های دلبستگی در چهارچوب رابطه کودک - مادر شکل گرفته و استقرار می‌یابند (بالبی، ۱۹۷۳). این سبک‌ها بسته به میزان ایمنی خود روش‌های مواجهه فرد با موقعیت‌های استرس‌زا را با به کار بستن مکانیسم‌های دفاعی مختلف متأثر می‌سازند (فیتون، ۲۰۱۲). روابط اولیه خانوادگی بر رشد روش‌های تنظیم عواطف کودک از جمله مکانیسم‌های دفاعی تأثیر مستقیم می‌گذارند (لیندبلوم و همکاران، ۲۰۱۶). بر این اساس، اگر روابط اولیه مراقب-کودک کارآمد باشد منجر به شکل‌گیری روش‌های مؤثر تنظیم هیجان از جمله مکانیسم‌های دفاعی رشدیافته می‌شود و بالعکس روابط ناکارآمد کودک با نگاره دلبستگی غیرپاسخگو باعث می‌شود که کودک به رشد شناختی و هیجانی متناسب با سن خود نرسد و از مکانیسم‌های دفاعی‌ای استفاده کند که از سطح

- microanalysis of 4-month mother-infant interaction. *Psychoanalytic Dialogues*, 22, 352-374.
- Bernier, A., Carlson, S. M., Deschênes, M., & Matte-Gagné, C. (2012). Social factors in the development of early executive functioning: A closer look at the caregiving environment. *Developmental Science*, 15, 12-24.
- Besharat, M. A. (2011). Development and validation of Adult Attachment Inventory. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30, 475-479.
- Besharat, M. A., & Khajavi, Z. (2013). The relationship between attachment styles and alexithymia: Mediating role of defense mechanisms. *Asian Journal of Psychiatry*, 6, 571-576.
- Besharat, M. A., & Shahidi, S. (2011). What is the relationship between alexithymia and ego defense styles? A correlational study with Iranian students. *Asian Journal of Psychiatry*, 4, 145-149.
- Blaya, C., Kipper, L., Heldt, E., Isolan, L., Ceitlin, L. H., Bond, M., & Manfro, G. G. (2004). Brazilian-Portuguese version of the Defense Style Questionnaire (DSQ-40) for defense mechanisms measure: a preliminary study. *Revista Brasileira de Psiquiatria (Sao Paulo, Brazil : 1999)*, 26, 255-258.
- Bosmans, G., Braet, C., & Van Vlierberghe, L. (2010). Attachment and symptoms of psychopathology: early maladaptive schemas as a cognitive link? *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 17, 374-385.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss* (Vol. 1), Attachment. New York: Basic Books.
- Bowlby, J. (1973). *Attachment and loss* (vol. 2), Separation, anxiety and anger. New York: Basic Books.
- Brumariu, L. E., & Kerns, K. A. (2008). Mother-child attachment and social anxiety symptoms in middle childhood. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 29, 393-402.
- Calvete, E., & Orue, I. (2013). Cognitive mechanisms of the transmission of violence: exploring gender differences among adolescents exposed to family violence. *Journal of Family Violence*, 28, 73-84.
- Cassidy, J., & Berlin, L. J. (1994). The insecure/ambivalent pattern of attachment: Theory and Research. *Child Development*, 65, 971-991.
- Cockram, D. M., Drummond, P. D., & Lee, C. W. (2010). Role and treatment of early maladaptive schemas in Vietnam veterans with PTSD. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 17, 165-182.
- Cramer, P. (2015). IQ and defense mechanisms assessed with the TAT. *Journal of the International Society for the Rorschach*, 36, 40-57.
- Davies, P. T., & Martin, M. J. (2013). The reformulation of emotional security theory: The role of children's social defense in developmental psychopathology. *Development and Psychopathology*, 25, 1435-1454.
- Diener, M. L., Mangelsdorf, S. C., McHale, J. L., & Frosch, C. A. (2002). Infants' behavioral strategies for emotion regulation with fathers and mothers: Associations with emotional expressions and attachment quality. *Infancy*, 3, 153-174.
- زمینه‌تعمیم یافته‌ها، تفسیرها و اسنادهای علت‌شناختی متغیرهای مورد بررسی مطرح می‌کند که باید در نظر گرفته شوند. نمونه مورد بررسی در این پژوهش یک نمونه دانشجویی بود. بنابراین، در تعمیم نتایج به سایر جمعیت‌ها باید احتیاط شود. از سوی دیگر، پژوهش حاضر از نوع همبستگی است و این امر برقراری اسنادهای علت‌شناختی بین متغیرهای پژوهش را ناممکن می‌سازد و لزوم تکرار پژوهش‌های بیشتری در این حوزه و نیز انجام پژوهش‌های مداخله‌محور را برای تأیید روابط به دست آمده، ضروری می‌سازد.
- ### منابع
- آهی، قاسم؛ محمدی‌فر، محمد علی و بشارت، محمد علی (۱۳۸۶). پایایی و اعتبار فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ. *مجله روانشناسی و علوم تربیتی*، ۳۳۷، ۲۰-۵.
- بشارت، محمد علی (۱۳۸۴). *هنجاریابی مقیاس دلبستگی بزرگسال*. گزارش پژوهشی، دانشگاه تهران.
- بشارت، محمد علی (۱۳۸۶). *بررسی ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه سبک‌های دفاعی*. گزارش پژوهشی، دانشگاه تهران.
- بشارت، محمد علی (۱۳۹۱). *مبانی درمانی نظریه دلبستگی*. *فصلنامه رویش روانشناسی*، ۱، ۳۸-۱۵.
- بشارت، محمد علی (۱۳۹۲). *مقیاس دلبستگی بزرگسال: شیوه اجرا و کلید نمره گذاری*. *روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)*، ۹ (۳۵)، ۳۱۷-۳۲۰.
- دهقانی، سیده؛ بشارت، محمد علی و تولائی، فهیمه سادات (۱۳۹۳). نقش واسطه‌ای روانسازه‌های ناسازگار اولیه در رابطه بین سبک‌های والدگری و مشکلات زناشویی. *روانشناسی خانواده*، ۱ (۱)، ۱۸-۳.
- شریفی، ماندارنا؛ بشارت، محمد علی و ایروانی، محمد (۱۳۸۰). *بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مکانیسم‌های دفاعی*. *مجله روانشناسی*، ۵، ۲۸۹-۲۷۷.
- American Psychiatric Association (2013). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (5th ed.)*. Washington, DC: American Psychiatric Association.
- Andrews, G., Singh, M., & Bond, M. (1993). The Defense Style Questionnaire. *The Journal of Nervous and Mental Disease*, 181, 246-256.
- Beck, A. T., & Epstein, N. (1993). An inventory for measuring clinical anxiety: Psychometric Properties. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 56, 893-897.
- Beebe, B., Lachmann, F. M., Markese, S., Buck, K. A., Bahrack, L. E., Chen, H., ... & Jaffe, J. (2012). On the origins of disorganized attachment and internal working models: Paper II. An empirical

- in both health and disease. *Journal of Psychosomatic Research*, 75, 362-369.
- Jun, J. Y., Lee, Y. G., Lee, S., Yoo, S. Y., Song, J., & Kim, S. J. (2015). Association between defense mechanisms and psychiatric symptoms in North Korean refugees. *Comprehensive Psychiatry*, 56, 179-187.
- Kottler, J. (2017). *On being a therapist*. Oxford University Press.
- Kreuter, E. A., & Moltner, K. M. (2014). Introduction. In *Treatment and Management of Maladaptive Schemas* (pp. 1-31). Springer International Publishing.
- Lindblom, J., Punamäki, R. L., Flykt, M., Vänskä, M., Nummi, T., Sinkkonen, J., ... & Tulppala, M. (2016). Early family relationships predict children's emotion regulation and defense mechanisms. *SAGE Open*, 6, 1-18.
- Malone, J. C., Cohen, S., Liu, S. R., Vaillant, G. E., & Waldinger, R. J. (2013). Adaptive midlife defense mechanisms and late-life health. *Personality and Individual Differences*, 55, 85-89.
- Mason, O., Platts, H., & Tyson, M. (2005). Early maladaptive schemas and adult attachment in a UK clinical population. *Psychology and Psychotherapy: Theory, Research and Practice*, 78, 549-564.
- McCarthy, M. C., & Lumley, M. N. (2012). Sources of emotional maltreatment and the differential development of unconditional and conditional schemas. *Cognitive Behaviour Therapy*, 41, 288-297.
- McMahon, C., Barnett, B., Kowalenko, N., & Tennant, C. (2005). Psychological factors associated with persistent postnatal depression: past and current relationships, defence styles and the mediating role of insecure attachment style. *Journal of Affective Disorders*, 84, 15-24.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2007). Boosting attachment security to promote mental health, prosocial values, and inter-group tolerance. *Psychological Inquiry*, 18, 139-156.
- Miranda, B., & Louzã, M. R. (2015). The physician's quality of life: Relationship with ego defense mechanisms and object relations. *Comprehensive Psychiatry*, 63, 22-29.
- Moutsiana, C., Johnstone, T., Murray, L., Fearon, P., Cooper, P. J., Pliatsikas, C., ... & Halligan, S. L. (2015). Insecure attachment during infancy predicts greater amygdala volumes in early adulthood. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 56, 540-548.
- Nevarez, M. D., Morrill, M. I., & Waldinger, R. J. (2018). Thriving in midlife: The roles of childhood nurturance and adult defense mechanisms. *Journal of Research in Personality*, 74, 35-41.
- Nordahl, H. M., Holthe, H., & Haugum, J. A. (2005). Early maladaptive schemas in patients with or without personality disorders: Does schema modification predict symptomatic relief? *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 12, 142-149.
- Dykas, M. J., & Cassidy, J. (2011). Attachment and the processing of social information across the life span: theory and evidence. *Psychological Bulletin*, 137, 19-46.
- Du Rocher Schudlich, T. D., White, C. R., Fleischhauer, E. A., & Fitzgerald, K. A. (2011). Observed infant reactions during live interparental conflict. *Journal of Marriage and Family*, 73, 221-235.
- Dwiwardani, C., Hill, P. C., Bollinger, R. A., Lashley, E. Marks, J. R. S., Holly, N., et al. (2014). Virtues develop from a secure base: attachment and resilience as predictors of humanity, gratitude, and forgiveness. *Journal of Psychology and Theology*, 42, 83-90.
- Eisenberg, N., Spinrad, T. L., & Eggum, N. D. (2010). Emotion-related self-regulation and its relation to children's maladjustment. *Annual Review of Clinical Psychology*, 6, 495-525.
- Ekas, N. V., Braungart-Rieker, J. M., Lickenbrock, D. M., Zentall, S. R., & Maxwell, S. M. (2011). Toddler emotion regulation with mothers and fathers: Temporal associations between negative affect and behavioral strategies. *Infancy*, 16, 266-294.
- Feeney, B. C., & Thrush, R. L. (2010). Relationship influences on exploration in adulthood: the characteristics and function of a secure base. *Journal of Personality and Social Psychology*, 98, 57-76.
- Finzi-Dottan, R., & Karu, T. (2006). From Emotional Abuse in Childhood to Psychopathology in Adulthood. *The Journal of Nervous and Mental Disease*, 194, 616-621.
- Fitton, V. A. (2012). Attachment theory: History, research, and practice. *Psychoanalytic Social Work*, 19, 121-143.
- Gay, L. E., Harding, H. G., Jackson, J. L., Burns, E. E., & Baker, B. D. (2013). Attachment style and early maladaptive schemas as mediators of the relationship between childhood emotional abuse and intimate partner violence. *Journal of Aggression, Maltreatment & Trauma*, 22, 408-424.
- Gillath, O., Karantzas, G. C., & Fraley, R. C. (2016). *Adult attachment: A concise introduction to theory and research*. Academic Press.
- Goldberg, S. (2014). *Attachment and development*. New York: Routledge.
- Hart, J. (2014). Toward an integrative theory of psychological defense. *Perspectives on Psychological Science*, 9, 19-39.
- Hart, S. (2008). *Brain, attachment, personality: An introduction to neuroaffective development*. Karnac books.
- Holloway, K., Bhullar, N., & Schutte, N. S. (2017). A latent profile analysis of dispositional hope and defense styles. *Personality and Individual Differences*, 114, 151-154.
- Hyphantis, T., Gouliou, P., & Carvalho, A. F. (2013). Personality traits, defense mechanisms and hostility features associated with somatic symptom severity

- Appliquée/European, Review of Applied Psychology*, 65, 221-226.
- Wang, C., Halvorsen, M., Eisemann, M., Waterloo, K. (2010). Stability of dysfunctional attitudes and early maladaptive schemas: A 9-year follow-up study of clinically depressed subjects. *Journal of Behaviour Therapy and Experimental Psychiatry*, 41, 389-396.
- Wegener, I., Alfter, S., Geiser, F., Liedtke, R., & Conrad, R. (2013). Schema change without schema therapy: The role of early maladaptive schemata for a successful treatment of major depression. *Psychiatry*, 76, 1-17.
- Widom, C. S., Czaja, S. J., Kozakowski, S. S., & Chauhan, P. (2018). Does adult attachment style mediate the relationship between childhood maltreatment and mental and physical health outcomes? *Child Abuse & Neglect*, 76, 533-545.
- Wright, M. O. D., Crawford, E., & Del Castillo, D. (2009). Childhood emotional maltreatment and later psychological distress among college students: The mediating role of maladaptive schemas. *Child Abuse & Neglect*, 33, 59-68.
- Young, J. E., & Brown, G. (1999). Young Schema Questionnaire-L3a. Cognitive Therapy Center of New York: Authors.
- Young, J. E. (2003). *Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach*: Professional Resource Press/Professional Resource Exchange.
- Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2003). *Schema therapy: A practitioner's guide*: Guilford Press.
- Porcerelli, J. H., Cramer, P., Porcerelli, D. J., & Arterbery, V. E. (2017). Defense Mechanisms and Utilization in Cancer Patients Undergoing Radiation Therapy: A Pilot Study. *The Journal of Nervous and Mental Disease*, 205, 466-470.
- Porter, L. L. (2003). The science of attachment: The biological roots of love. *Mothering Magazine*, 119, 1-11.
- Price, J. P. (2007). Cognitive schemas, defence mechanisms and post-traumatic stress symptomatology. *Psychology and Psychotherapy: Theory, Research and Practice*, 80, 343-353.
- Puhalla, A. A., McCloskey, M. S., Brickman, L. J., Fauber, R., & Coccaro, E. F. (2016). Defense styles in Intermittent Explosive Disorder. *Psychiatry Research*, 238, 137-142.
- Roelofs, J., Lee, C., Ruijten, T., & Lobbestael, J. (2011). The mediating role of early maladaptive schemas in the relation between quality of attachment relationships and symptoms of depression in adolescents. *Behavioural and Cognitive Psychotherapy*, 39, 471-479.
- Sad, N. (2012). Attachment patterns from the perspective of early maladaptive schemas. *Ljetopis Socijalnog Rada*, 19, 95-117.
- Sadock, B. J., & Sadock, V. A. (2011). *Kaplan and Sadock's synopsis of psychiatry: Behavioral Sciences/Clinical Psychiatry*: Lippincott Williams & Wilkins.
- Sala, M. N., Testa, S., Pons, F., & Molina, P. (2015). Emotion regulation and defense mechanisms. *Journal of Individual Differences*, 36, 19-29.
- Segal, D. L., Coolidge, F. L., & Mizuno, H. (2007). Defense mechanism differences between younger and older adults: A cross-sectional investigation. *Aging and Mental Health*, 11, 415-422.
- Shaver, P. R., Schachner, D. A., & Mikulincer, M. (2005). Attachment style, excessive reassurance seeking, relationship processes, and depression. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31, 343-359.
- Thimm, J. C. (2010). Personality and early maladaptive schemas: A five-factor model perspective. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 41, 373-380.
- Thompson, R. A., & Meyer, S. (2007). Socialization of emotion regulation in the family. *Handbook of emotion regulation*, 249, 249-268.
- Vaillant, G. E. (1976). Natural history of male psychological health: V. The relation of choice of ego mechanisms of defense to adult adjustment. *Archives of General Psychiatry*, 33, 535-545.
- Vaillant, G. E. (2000). Adaptive mental mechanisms: Their role in a positive psychology. *American Psychologist*, 55, 89-98.
- Vaillant, G. E. (2012). Positive mental health: is there a cross-cultural definition? *World Psychiatry*, 11, 93-99.
- Walburg, V., & Chiaramello, S. (2015). Link between early maladaptive schemas and defense mechanisms. *Revue Européenne de Psychologie*